جمهوری اطلاعات

سونامی فین‌تک‌ها!-۱

حامد اکبری
پژوهشگر اقتصاد اطلاعات و دولت الکترونیک

شتاب توسعه و نفوذ روزافزون کسب‌وکارهای اینترنتی و مبتنی بر فضای مجازی، حضور جدی خدمات مبتنی بر فضای مجازی را رفته‌رفته به یکی از الزامات زندگی شهری مدرن تبدیل کرده و ظرفیت قابل اعتنایی را برای تحلیل فضای این حوزه و برای پژوهشگران، نقش‌آفرینان و ذی‌نفعان فراهم کرده است.

هدف این یادداشت بازنمایی پیامدهای است که این فضای کسب‌وکارهای اینترنتی، به مردم، بازار، دولت و دنیا ارسال می‌کند. نگاه و تحلیل صحیح و دقیق این پیامدها می‌تواند ظرفیت فهم بهتر مناسبات، قواعد نانوشته، الگوهای پنهان فضای کسب‌وکارها و خدمات مبتنی بر فضای مجازی را در اختیار پژوهشگران، سیاست‌گذاران، نظریه‌پردازان و مصرف‌کنندگان آن قرار دهد.

سال ۹۵ را می‌توان یک برهه سرنوشت‌ساز و به‌یادماندنی در تاریخ کسب‌وکارهای مجازی کشور برشمرد. ظهور، توفیق و همه‌گیرشدن ایلیکیشن‌های درخواست اینترنتی تاکسی، برای نخستین‌بار جامعه را با سرویس‌های عمومی اینترنتی وابسته به بخش خصوصی ایرانی آشنا کرد و تاثیرات اجتماعی قابل تاملی هم بر جای گذاشت.

مردم دیدند انتخاب هوشمندانه به یک کسب‌وکار اینترنتی نوظهور و مدرن ارزی گفته و در مدت کوتاهی الگوی استفاده از سرویس‌های حمل‌ونقل عمومی را در زندگی خود تغییر دادند. این تغییر که از کیفیت، دقت و سرعت خدمت‌رسانی تاکسی‌های اینترنتی و همچنین از قیمت رقابتی بسیار مناسب در مقایسه با قیمت تاکسی سرویس‌های مرسوم که سال‌ها بازار را در قبضه خود داشتند، ناشی می‌شد، عکس‌العمل شدید فعالان آن حوزه را در پی داشت و در قالب اعتراضات صنفی و تجمع‌های اعتراض‌آمیز بروز کرد. البته نه‌تنها نتوانست جلوی این تغییر بنیادی در ظهور خدمات حمل‌ونقل موبایل‌محور را بگیرد، بلکه به سرعت نقش‌آفرینان دیگر هم اقدام به ارائه سرویس‌های مشابه کردند تا سهم خود را از بازار حمل‌ونقل درون‌شهری از دست ندهند. نکته حائزاهمیت تصمیم عاقلانه نقش‌آفرینان اصلی فضای سنتی در مواجهه با این پدیده نوظهور بود. ایجاد سرویس مشابه توسط تاکسی‌رانی و اتحادیه تاکسی سرویس‌ها به نام‌های کاریینو، آژانسی و... از نتایج آن مناقشات بود. سرعت حیرت‌آور توسعه کسب‌وکارهای حوزه حمل‌ونقل از جمله سرویس‌های درخواست خودرو، بیک‌های موتوری، باربری‌ها و حمل‌ونقل‌های بین‌شهری، مناسبات اکوسیستم کسب‌وکارهای حمل‌ونقل در کشور را با تغییرات اساسی روبه‌رو کرد.

روبداد مهم دیگری که در سال ۹۶ بار دیگر به جامعه، کسب‌وکارها و اقتصاد کشور شوک جدی وارد کرد، سربرآوردن سرویس‌های موسوم به فین‌تک‌ها بود. فین‌تک‌ها اصطلاحا به فناوری‌های مالی می‌گویند که با استفاده از انواع نوآوری‌ها، خدمات پولی و مالی را در الگوهای جدیدتر، ساده‌تر و به‌صرفه‌تر ارائه می‌دهند.

فین‌تک‌ها که در گذشته عمدتا خود را در چارچوب پرداخت‌های قبض‌ها و خرید سازهای تلفن‌های اعتباری تعریف می‌کردند، با رشد و توسعه سرویس‌های مشابه در جهان، خود را در حوزه‌های دیگر هم توسعه دادند و انواع سرویس‌های پرداخت موبایلی و اینترنتی، سرویس‌های خرید بیمه، خرید بلیت‌های قطار و هواپیما و کیف‌های پول الکترونیکی، تخفیف‌های موضوعی، خریدها، پرداخت تاکسی و مشورت خدمات اینترنتی، جمع‌سپاری و... رواج پیدا کرد. تفاوت سوئامی فین‌تک‌ها با موجی که اساسا سرویس‌های حمل‌ونقل در کشور ایجاد کردند، نقش‌آفرینی دولت با کمک بانک مرکزی به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر تخصصی و قانونی این حوزه بود که با ارائه مجوزهای موسوم به PSP به بانک‌ها سعی در کنترل این حوزه کرد.

ادعایه اساسی بانک مرکزی در توجیه کنترل فضای فین‌تک‌ها در کشور حول سه محور موسوم به خطوط قرمز بانک مرکزی در موضوع فین‌تک‌ها طرح شده است که عبارت بود از «حفظ پول»، «حمایت از حقوق مالی خردمقدار» و «فعالیت‌های ارزی». که مناقشات بسیاری را هم درباره این موضوع ایجاد کرد و همچنان نیز ادامه دارد. پرداختن به مسائل فین‌تک‌ها بحث مستقل و مفصلی را می‌طلبد که از وظیفه این یادداشت بیرون است اما اجازه دارند با موضوع یادداشت بابد به آن پرداخت. جرایی افراق و استقلال دو حوزه حمل‌ونقل عمومی و فین‌تک‌ها است که از قضا از دو الگوی کاملا غیرمشابه بهره می‌بردند!

با بیکری و مطالعه اکوسیستم موجود در این کسب‌وکارها نتایج مهمی در محورهای مختلف، از جمله تحلیل و مطالعات بازار کسب‌وکارهای اینترنتی، رخنه‌شناسی و کوته‌شناسی کسب‌وکارها و خدمات، جمعیت‌شناختی مصرف‌کنندگان، دانگله‌شناسی کسب‌وکارها و مصرف‌کنندگان، نقش سیاست‌گذاری‌های دولت، قیمه بهتری از زیرساخت‌های موجود به دست می‌آید.

از جمله این نتایج، پیامهای قابل‌تاملی است که فضای نوظهور اقتصادی مبتنی بر فضای مجازی، داده‌ها و اطلاعاتی را به ذی‌نفعان و نقش‌آفرینان اصلی این حوزه‌ها ارسال می‌کند و هر گروه بنابر منافع و وظایف خود می‌تواند از آن برای سیاست‌گذاری‌ها و الگوی حضور و استفاده از این فضا بهره ببرد.

شاید بتوان ابعاد کوچ حجم بالایی از فضای اقتصاد مبتنی بر فضای مجازی و اینترنت را این دو سبک از کسب‌وکارها به طور اختصاص دادند.

بررسی فرایند عملیاتی‌شدن خدمات مبتنی بر اینترنت مشخص شده است که اساسا فضا زنجیره‌ای از خدمات قابلیت جمع‌سپاری دارند که همگی ذی‌نفعان آن بتوانند اولا با هویتی حقوقی و درعین‌حال مجازی در آن حضور پیدا کنند و ثانیا اطلاعات مبتنی‌ها با مراحل مختلف فرایندها به سرویت دیجیتال و الکترونیکی موجود باشد و همچنین متولیان آن مراحل هم آمادگی الکترونیک لازمبا به زنجیره‌های مجازی به صورت جدی وجود داشته است. حضور بسیاری از دولت‌ها، مثلا دولت حضور دادهمحور تمامی ذی‌نفعان مراحل مختلف یک خدمت موجود و مهیا نباشد. آن اما این موضوعیت‌ها اکنون وجود ندارند و به‌گونه شایانه‌ای را ایجاد می‌کند. نکته دیگر این است که عمده افرادی که در رأس بانک مرکزی به نام دولتی بول و اعتبار نشسته‌اند، افرادی هستند که به مصوبات بانک مرکزی و اجرای کاملا بی‌ارتباط هستند؛ یعنی وزرا، نمایندگان مجلس یا دادستان افرادی هستند که سیاست‌گذاران پولی نمی‌تواند باشند. آنها عمدتا مصرف‌کنندگان اعتبارات هستند و تمایل به خرگردن منابع یا قیمت صفر بانک مرکزی هستند. این افراد سیاست‌گذار پولی نمی‌توانند باشند، بلکه مصرف‌کننده پولی هستند. بنابراین به سیاست‌گذاری پولی می‌توانند باشند و نه ناظر پولی. در عمل هم آنها نظارتی بر قرار بانک مرکزی نداشتند. چون خودشان مصوب می‌کردند تا چه مقدار تسهیلات داده شود یا منابع به ذی‌نفع داده شود یا چرخ که قانون مشخص کرده است. داده شود.

نوبد استقلال در بانک مرکزی هم موجب می‌شود بانک مرکزی به تمام این مصوبات نتی دهد و نبود شفافیت و باسخ‌گویی هم باعث می‌شود تا افراد

مدنی‌زاده، استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، از جزئیات طرح اصلاحی قانون بانک مرکزی در گفت‌وگو با «شرق» گفت:

ورود بستگان مقامات بانک مرکزی به بانک‌ها ممنوع شد

تأسیس صندوق جدیدی به نام ثبات‌ساز به جای صندوق توسعه پیشنهاد شد

عکس: روزبه رستمی، شرق

آقای مدنی‌زاده! قانون پولی و بانکی کشور تاکنون بدون هیچ‌گونه تغییری اعمال می‌شد. هر زمان هم که دولت‌ها تصمیم می‌گرفتند تغییراتی را در آن ایجاد کنند، موفق نمی‌شدند. چه شد که طرح اصلاحات نظام بانکی در اولویت قرار گرفت و این طرح به مجلس ارسال شد؟

قانون پولی و بانکی کشور که سال ۵۱ تصویب شد، تقریبا ۲۵ سال است که از عمر آن می‌گذرد. از حدود ۱۵، ۱۶ سال پیش تغییر این قانون در دستور بانک مرکزی و دولت قرار گرفته بود و دائم روی آن کار می‌شد؛ اما به دلایل مختلف به صورت رسمی بیرون نیامده بود. تا اینکه در مدت دو تا سه سال اخیر بحث لایحه دوفوریتی مطرح شد که قانون پولی و بانکی بانک مرکزی با هم تغییر کند؛ ولی به دلیل ضعف‌های جدی‌ای که در متن وجود داشت، مسیر خود را به جلو طی نکرد. در عوض دولت لایحه‌ای را تهیه کرد که در آن یک‌سری مواد قانونی درباره نظارت بانکی به صورت الحاقی به قانون پولی و بانکی اضافه می‌کرد و آن را در قالب لایحه اصلاح قانون پولی و بانکی در سال ۹۶ به مجلس فرستاد. موازی این هم مجلس قبل چون دید دولت لایحه دوفوریتی را نفرستاده است، ابتدا سعی کرد قانون بانکداری را جلو ببرد که موفق نشد؛ اما با روی‌کارآمدن مجلس جدید، مجلسی‌ها دیدند لایحه‌ای که مورد نیاز اصلاحات بانک مرکزی و بانک‌هاست، فرستاده نشده است؛ بنابراین طرحی را با عنوان طرح اصلاح قانون بانک مرکزی پایه‌ریزی کردند. برای این کار اول باید قانون بانک مرکزی را تغییر می‌دادند تا در آن زمینه بتوانند قانون بانکداری را نوشته و اصلاح کنند؛ چون اگر اول بانکداری و بعد بانک مرکزی را اصلاح می‌کردند، با هم نمی‌خواندند؛ بنابراین اصلاح قانون بانک مرکزی را در دستور کار قرار دادند و آن را در قالب طرحی آماده کردند که در ماه مهر اعلام وصول شد.

لایحه اصلاح قانون پولی و بانکی سال ۹۶، فقط یک‌سری موادی را به قانون اضافه می‌کند که قدرت مانور بانک مرکزی افزایش یابد تا بتواند کارهایی را در راستای اصلاح نظام بانکی انجام دهد؛ اما به دلیل اینکه در زمینه نامناسب قبلی نوشته شده است، فعلا مفید نبوده است تا طرح اصلاح ساختار بانک مرکزی جلو برود و در این زمینه جدید، هم دست بانک مرکزی باز شود و هم از زمینه مدون متناسب با قواعد رقابت، مشکلات پولی و بانکی را بتوان حل کرد.

شما عنوان کردید که در این طرح قرار است ساختار بانک مرکزی تغییر کند. آیا این به معنی این است که استقلال بانک مرکزی بالا خواهد رفت؟

چند دهه است که تورم دورقمی بالایی داشته‌ایم که هیچ منفعت مثبت اقتصادی برایمان نداشته. فقط مضرات داشته است. در دوره‌های مختلف هم که تلاش شده تورم کاهش یابد، به دلیل وابستگی بانک مرکزی این تورم بازگشت کرد. اکنون هم تورم کاهش یافته؛ اما به دلیل وابسته‌بودن نمی‌توانیم نرخ تورم را کنترل کنیم و تورم قاعدتا بالا خواهد رفت. مگر آنکه اصلاحی ساختاری صورت بگیرد. به دلیل اینکه عمدا بانک مرکزی وابسته است، هر وقت فشاری برای کنترل تورم می‌آورد، دولت یا به صورت مستقیم از پایه پولی برمی‌داشت یا از بانک‌ها می‌گرفت و بانک‌ها هم از بانک مرکزی می‌گرفتند تا اینکه قیمت نفت بالا می‌رفت و بانک مرکزی مجبور می‌شد به واسطه فروش نفت و خرید ارز منابع ریالی تزریق کند و این وابستگی منجر به جامعه در زمان مناسب متوجه نشوند که چه اتفاقی در حال افتادن است و فقط نتیجه را اصل می‌کنند. نتیجه ساختار غلط حکمرانی نهایتا این‌گونه می‌شود که هم نظام بانکی و هم وضعیت پولی و نقدینگی و تورم و چار مشکلات عدیده می‌شود و کسی هم پاسخ‌گو نیست. همه اینها به دست می‌دهند تا به این نتیجه برسیم که قانون پولی و بانکی به‌گونه‌ای تغییر کند که ساختار بانک مرکزی در این مواقع تغییر پیدا کند، حکومتی خوب حکم خواهد شد. طرح شفافیت یا پاسخ‌گویی و استقلال وجود داشته باشد.

شما درباره صلاحیت مدیران کفتید. این در حالی است که مجلس سعی دارد این صلاحیت را از بانک مرکزی بگیرد. اما بانک مرکزی سعی دارد به آن ورود کند. فرگمی کند این مسئله باعث نمی‌شود استقلال بانک مرکزی خدشه‌دار شود؟ با نیات خاص کسی برکنارید دصلاحیت شود؟

بدیهی است که تایدصلاحیت مدیران بانک‌ها باید در اختیار بانک مرکزی به‌عنوان نظارت بانکی باشد.

یعنی بانک مرکزی می‌تواند صلاحیت دهد؟

ضرتا هیاز جایی که در صلاحیتش است. برخی مربوط به وزارت اطلاعات می‌شود و بانک مرکزی نمی‌تواند ورود کند. بانک مرکزی تنها مرجعی است که می‌تواند ضرتا صلاحیت حرفه‌ای مدیران را تأئید کند و جای دیگری نمی‌تواند این صلاحیت را تعیین و تأئید کند.

یکی از مؤلفه‌ها برای تغییر ساختار بانک مرکزی استقلال است؛ این طرح موضوع چگونه در این طرح دیده شده است؟

استقلال جهتی مختلفی دارد؛ یکی استحالت قانونی در ساختار است که بر اساس دانش نظری اقتصاد و تجربه موجود کشورهاست. دهه‌ها کشور هستند، اگر نگویم همه کشور که چنین قواعدی را دارند، به این صورت که بانک مرکزی باید در قالب یک هیئت، مدیریت شود نه به‌عنوان یک فرد که در رأس قرار می‌گیرد. این هیئت باید از افراد مستقل و ثروت‌دار باشد. بنابراین فرایند نصب باید طوری باشد که وابستگی کمتری حاصل باشد. فرایند عزل هم باید بسیار دشوار باشد که نه دولت نه مجلس به واسطه تصمیمات نتوانند اعضا را عزل کنند. مشابه شورای رقابت را لازم دارم. دوره ذوده کسری دارم که بخشی باشد که هر یک سال، دو نفر بیرون بروند و دو نفر جدید وارد شوند و ما هر سال یک نفر. این گونه باشد که از جمع چندنفره جدید، افراد قدیمی باقی بمانند تا بتواند عوض کند و افراد جدید بیاورد. این مکانیسم تا اندازه‌ای استقلال ایجاد می‌کند. وی عزل هم باید سخت‌گیری شدیدی باشد. تا دولت نتواند عزل کند؛ مگر اینکه افراد دچار جرم شده باشند. این هیئت در طرح مجلس هیئت عالی نام گذاشته شده است و برای آن ۷ نفر دیده شده است. در همه این جلسات ۶ تا ۱۰ نفر متعارف است. کارشان سیاست‌گذاری پولی، بانکی و ارزی و نظارت بر عملکرد رئیس‌کل است. کار رئیس‌کل، اجرای این سیاست‌گذاری‌ها به‌عنوان مدیر بانک مرکزی و کسی است که به مصوبات را می‌گیرد. از طرف دیگر، باید یک‌سری مصوبه‌هایی گذاشته شود که جنبه استقلال ساختاری را حفظ کند. برای مثال، مصوبه حرف ارزی دولت. نباید بانک مرکزی مجبور به حرف ارزی شود. یا مصوبه حرف ارزی دولت و مرتبا ارزی را از بازار پایه یا مصوبه تسهیلات‌دهی به دولت یا با مصوبه سردرگمی در بانک‌ها بدون وثایق اعلام کنند. این‌ها اجرایه هواری است که می‌تواند استقلال بانک مرکزی را تأمین کند. جنبه دیگر استقلال، استقلال مالی است که از نظر بودجه‌ای باید مستقل باشد. جنبه سوم، استقلال اجرایی و عملیاتی است که بتواند در اختیار اجرا، هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری کامل مستقل باشد. به غیاری حاکمیت می‌گویند این افراد را به‌عنوان نماینده حاکمیت انتخاب می‌کنم. اینها کسانی هستند که باید سیاست‌گذاری بلندمدت پولی و ارزی کشور را به آنها بسپاریم. این افراد باید از نگاه‌های حزبی و سیاسی نیز دور باشند؛ نباید سیاسی باشند و بر اساس ملاحظات و صلاحیت‌های کاملا علمی، حرفه‌ای و تجربی رفتار کنند و نگران انتخابات و انتخاب‌شدن نباشند. دوره تعدی آنها طولانی و بیش از چهار سال است می‌دانند بلندمدت‌تر فکر کنند و تصمیم‌گیری کنند. بنابراین این استقلال عملیاتی را باید داشته باشند تا به اجرایی که می‌خواهند، در رابطه با سیاست‌های پولی و مالی تصمیم‌گیری کنند.

شما با پاسخ‌گویی و شفافیت رابطی دیگر از مؤلفه‌های قانون بانک مرکزی ذکر کردید. در این مؤلفه چه موارد دیگری در نظر گرفته شده است؟

درباره پاسخ‌گویی و شفافیت قواعدی در قانون دیده شده و تلاش شده است تا حدی شفافیت اتفاق شیئه‌ای را برای بانک مرکزی ایجاد کند. در این صورت، بانک مرکزی مکلف است هر دو ماه یک بار درباره تحولات شاخص متغیرهای پولی، اسمی و حقیقی اقتصاد کلان اقتصاد کشور و سیاست‌هایی که برای چند ماه آینده اتخاذ کرده است به مردم گزارش دهد؛ یعنی اینکه اگر کشور نداریم. اتحاد اقتصادی ما نمی‌دانند تنها چه مانده و با سود آینده برنامه بانک مرکزی چیست. قرار است آنها توجه کنند و چگونه قرار باشد بر این اهداف مورد. شک‌دهی به انتظارات کلان است که از طریق گزارش‌های مستمر بانک مرکزی اتفاق خواهد شد. در طرح جدید، بانک مرکزی موظف شده به‌طور مستمر و به دو در صحن مجلس گزارش علنی دهد. هر شش ماه یک بار باید به مجلس پاسخ‌گو باشد و درباره وضع موجود و سیاست‌های که برای ماه‌ها و سال‌های آینده اتخاذ می‌شود، گزارش دهد؛ هم درباره سیاست‌های پولی و هم نظام بانکی. وقتی بانک مرکزی موظف باشد در چند ماه یک بار به مردم، دولت و مجلس گزارش دهد، تا حدی تصمیم‌گیری این طور بود که حرف از اهداف اعلامه می‌گیریم. مشخص باشد و بتوانیم سریع‌تر اصلاح کرد که به مسیر اصلی برگردیم. در این طرح درباره حکمرانی خوب هم موارد مهمی دیده شده است.

مثلا چه مواردی؟

یک ساختاری است که برای بانک مرکزی چیده شده است. در آن تلاش شده ملاحظات حاکمیت شرکتی دیده شود. الزامات صلاحیت افراد بانک مرکزی دیده شده است. هرکسی نمی‌تواند در بانک مرکزی وارد شود. حتما باید اقتصاددان و بانکدار باشند. قابنالس خواسته به حقوق بانکی وارد باشند.

درباره حق تضاد منافع چه تغییراتی اعمال شده است؟

اعضای عملیاتی مرکزی بانکی نمی‌توانند شوهر و بستگان نزدیک‌شان، سهام‌دار یا دارای سمت‌های مهم در مؤسسات پولی و اعتباری داشته باشند. نمی‌توانند از جای دیگری پرداختی داشته باشند یا پاداش بگیرند. حق مشاوره هم نمی‌توانند داشته باشند. تمام وقت باید در بانک مرکزی حضور داشته باشند. تا دو سال بعد از اینکه در بانک مرکزی هستند هم نمی‌توانند در جایی کار کنند. عضو هیچ حزب و سیاسی نمی‌توانند باشند. باید افشای وضع مالی را داشته باشند و مسئول قانون منع خدمات دولتی هستند و اصول معینی از محرماتی که باید رعایت کنند.

شما در صحبت‌هایتان اشاره کردید که یکی از وظایف و سیاست‌های اصلی بانک مرکزی کنترل تورم و ثبات آن است. چه اهرم‌هایی در این طرح پیش‌بینی شده که این اتفاق بیفتد. آیا بانک مرکزی استقلال لازم را خواهد داشت تا تورم را کنترل کند و چه تفاوت‌های ملموسی با قانون قبل داشته است؟

چون ساختار قانونی و حقوقی هیئت اصلی بانک مرکزی تغییر می‌کند و این طور نخواهد بود که اعضای آن به طور کامل منصوب وزیر و رئیس‌جمهور باشند و عزل آنها هم کاملا ممکن است. این فضا را ایجاد می‌کند که این افراد دیگر تابع دولت حاکمیت می‌شوند. قانع نظم حرفه‌ای خودشان و در راستای رسیدن به اهداف بانک مرکزی هستند و از اهداف کنترل تورم و ثبات نظام بانکی است و در صورت عدم تعارض، ایجاد رشد و اشتغال. بنابراین اگر دولت فشار بیاورد که به فلان تسهیلات به‌جید یا اوراق از من خریدی کنید و منابع بدهید و... چون اعضای هیئت عامل استقلالی هستند، فشار قابل قبول نیستند و بودجه نیز مستقل است. دلیلی بر تبعیت ندارند. حتی در قانون دیده شده اگر کسی به اعضای بانک مرکزی فشار بیاورد، جرم است. اگر از اعضای بانک مرکزی تحت فشار بیرونی کاری انجام دهند جرم است. اینها باید بتوانند مستقلانه به دو هدف اصلی کنترل تورم و ثبات نظام بانکی بپردازند و درصورت عدم تعارض با این هدف اصلی کمک حال اشتغال و تولید هم باشند. چون اصولا مسئله اشتغال، توسعه و تولید کلا در دولت و نه کار بانک مرکزی است. در ضمن، بانک مرکزی از این پس مجبور نیست از دولت را خریداری کند و اختیار تام دارد به هر مقدار و با هر قیمت بازار خریداری کند.

این اتفاق می‌تواند تاثیر منفی هم بر بازار بگذارد. این طور نیست؟

بله دولت اگر مستقیما از اوراق صندوق توسعه و بها فرکان بدهی که خود طراحی می‌کند، ارز یا به ریال تبدیل کند، می‌تواند ارز خود را در بازار بفروشد. بانک مرکزی هم براساس سیاست‌های پولی و ارزی می‌تواند نرخ جفرار را که اصلاح دانست خریداری کند. ابزار دیگری که در این قانون دیده شده و در دنیا هم عرف است این است که بانک مرکزی اجازه دارد به هر میزان که تشخیص می‌دهد اوراق دولت را در بازار ثانویه بیاید تا اینکه قیمت زنده شود خریداری کند یا به فروش برساند. این کمک می‌کند سیاست‌های انبباطی یا انقباضی را برای کنترل تورم اعمال کند. این طرح اساسی است که هم‌اکنون جیبین ایرانی را بانک مرکزی ندارد. البته در لایحه بودجه ۹۷ پیش‌بینی شده است این اتفاق بیفتد و به‌عنوان اصلی جدید دیده شود. اما باید حواسمان باشد چون استقلال حقوقی وجود ندارد مدعا ممکن است مفهاری خطرآفرین باشد اما اگر قانون به‌روزی تصویب شود، این مسئله حل خواهد شد.

آیا در این قانون جدید درباره وام‌دهی به بانک‌ها نیز سازوکاری دیده شده است؟

در وام‌دهی به بانک‌ها بانک مرکزی محدود شده و دیگر اجازه ندارد بدون وثیقه به بانک‌ها وام و تسهیلات ارائه دهد یا سپرده‌گذاری کند. فقط در قالب وثایق آن هم به صورت محدود و با نرخ‌های مشخص. حتی اگر از حد محدود بگذرد باید بانک مرکزی اوراق دولت ویژه یا رزوبوئس می‌کند. یعنی بانکی نمی‌تواند خود را مدیریت کند و می‌خواهد از منابع عمومی استفاده کند. اکنون دوسویه باید پولی و نقدینگی به بانک به مرکزی بر شده است. یعنی اینکه بانک مرکزی دست‌بسته ایستاده و بانک‌ها عملا از منابع عمومی استفاده می‌کنند. این طرح بسیار دقیق است. جلوی این مسئله گرفته می‌شود و نهایتا باید دانست که از این طرح جدید، جلوی این مسئله گرفته شده و نهایتی می‌تواند پیش نیز گرفته شود.

بانک مرکزی یکی از مهمی است که در سال‌های گذشته وجود نداشته است. در طرح جدید برای ایجاد ثبات بانکی چه موارد دیده شده است؟

در این طرح پیش‌بینی شده است که مسئله نظارت در قالب سازمان مستقلی در داخل بانک مرکزی شکل بگیرد و این سازمان مستقل نظارت را بر بانک‌ها می‌گذارد و آن سازمان نظارت بر حسن اجرای مقررات را دارد و آگر مشاهده کند بانکی خطرآفرین است، این افراد را ایجاد می‌کند که این سازمان نظارت بر حسن اجرای مقررات را دارد. بنابراین ا